## صعود به قله پيرزن كلوم (۳۸۵۰ متر)

جمعه ۸۵/۲/۱

سرپرست: زينب محمودآبادي

راهنما: محسن انواري

گزارش نويس: محسن انواري

افراد شركت كننده: منصور احمدي – محسن انواري – امير جهانشاهي – احسان حسين نژاد – وجيهه دخيلي – حسين سرافراز – عليرضا علامي – زينب محمودآبادي – احسان مختاري - طاهره ميرزايي – محمدصادق ميرزايي – فرشته نظري

سه قلوهاي مهرچال – پيرزن كلوم – هم هن كه در بخش جنوبي البرز مركزي بعد از توچال مرتفع ترين قله حساب ميشن، با يه خط الراس نعلي شكل به هم متصلن و هر سه شون تو اين فصل از امامه بالاي ۲۲۰۰ متري صعود ميشن (براي دسترسي به اين سه قله توي زمستون بايد از گرمابدر صعود كرد).

چون براي اين برنامه ماشين از دانشگاه نداشتيم، مجبور شديم از بيرون ميني بوس جور كنيم. من هم كه نمي خواستم پول زيادي بابت ماشين بديم شماره يه نفر - كه تا حالا باهاش برنامه نرفته بوديم - رو گير آوردم كه كمتر از بقيه پول مي گرفت و قرار شد ساعت ۶:۳۰ جمعه درب رشت يه ميني بوس بفرسته. ماشين ساعت ۷:۱۰ اومد كه دليلش رو ناهماهنگي اون آژانسيه عنوان كرد. توي راه هم دو نفر از بچه ها رو سوار كرديم و بالاخره ۹ به امامه رسيديم. اين بار راننده سر دور بودن مسير و كرايه ي كم معركه درست كرد. بعد از نيم ساعت چونه زدن ۱۰ هزار تومان بهش داديم كه برگرده و گفت كه عصر ديگه دنبالمون نمياد. صبحونه رو توي ماشين خورده بوديم بنابراين ۹:۳۰ صعود رو شروع كرديم. بعد از بيست دقيقه و تقريبا ۲۰۰ متر ارتفاع گرفتن و كمي دست به سنگ شدن به قلعه امامه رسيديم. مثل اينكه قرن سوم هجري قمري به دستور مازيار حاكم وقت ساخته شده.

از اينجا امامه خيلي زيبا و خوش منظره است. البته هنوز كاملا بهار پاشو توي باغاي امامه نذاشته. بعد از قلعه و يه مقدار هم اشتباه رفتن به يالي رسيديم كه مستقيما به هم هن مي رسه. بعد از مدتي به كاجي مي رسي كه علامتيه براي اين كه يال رو ادامه ندي و تراورس طولاني سمت راست رو بري، چون كه يال در ادامه صخره اي ميشه و غير قابل صعود. اين تراورس بعد از گذشتن از يه چشمه – كه فكر مي كنم فصلي باشه – و چند تا برفچال كوچيک به دشت مهرچال در ارتفاع ۳۱۰۰ متر مي رسه. نيم ساعت قبل از دشت – ساعت ۱۲:۳۰ – سرپرست احساس كرد اگه بخوايم با همين سرعت ادامه بديم به قله نمي رسيم، بنابراين با مشورت چند تا از بچه ها تيم رو دو قسمت كرد. من و منصور و ابوذر و احسان و وجيهه و فرشته قرار شد تا ۱۴:۳۰ بالا بريم و هرجا بوديم برگرديم. بقيه هم قرار شد تا دشت بيان.

فكر مي كنم ساعت ۱۳:۳۰ بود كه به انتهاي دشت مهرچال رسيديم و از اونجا بود كه يه يال شروع مي شد كه مستقيما تا قله مي رفت. جاي پاي تيم آقاي نصيري هم روي برف مشخص بود. اونا ساعت ۸:۳۰ صعودشون رو شروع كرده بودن. چون هوا خوب بود و همه بچه ها سرحال بودن گفتم كه هر كس با هر سرعتي ميخواد حركت كنه و هر وقت خواست استراحت كنه. همه يک بار استراحت كردن و جز يه نفر همگي بين ۱۴:۳۰ تا ۱۵:۰۵ به قله رسيدن. همون مسير رفت رو كه به خاطر آب شدن برفا گل هم شده بود برگشتيم و تا ۱۶:۱۵ همگي به دشت و پيش بقيه بچه ها برگشتيم. ۱۶:۳۰ به سمت پايين حركت كرديم. مسير برگشت از همون كاج با مسير رفت تفاوت پيدا مي كنه و براي اين كه به صخره هاي زير قلعه نرسي بايد يه شن اسكيو پايين بري. در نهايت ۱۸:۳۰ به امامه رسيديم. بچه ها بستني و نون داغ گرفتن. يه نيسان پيدا شد كه ما رو تا فشم مي برد. عقب نيسان نون و پنير و بستني و مثل هميشه مسخره بازي هاي دسته جمعي! از فشم هم با يه ميني بوس به تهران پارس رفتيم. باز هم يه كوه ديگه تموم شد و موند چند تا عكس و خاطره ...

عكس ها از: عليرضا علامي (دكتر)